

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جواب به سؤال

بیان کلمه حق

به جواب مصطفی علی ابراهیم

(ترجمه)

سؤال: السلام علیکم ورحمة الله و بركاته!

سؤالی دارم و آن این که: در آیه 90 سوره یونس چنین آمده: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ﴾ اما در آیه 78 سوره طه آمده است: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ﴾. آیا این بدان معنی است که فرمان و عمل حاکم یک چیز به حساب می آید؟ که اگر چنین باشد، می توانیم بگوئیم که ایستادن در برابر امر حاکم مانند ایستادن در برابر اعمال او است. یعنی وقتی ما کلمه حق را در برابر پولیس، نیروهای نظامی و یا معاونین آن بیان کنیم؛ این به معنی گفتن کلمه حق در برابر خود حاکم است و در تحت مصداق این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم شامل می شویم: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» تشکر. البته شما حق تصرف و تعدیل را در ساختار و طرح سؤال دارید، الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر دهد!

جواب: وعلیکم السلام ورحمة الله و بركاته!

اول: در رابطه به دو آیه که در سؤال شما وارد شده که عبارت اند از آیه مبارکه 90 سوره یونس: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا﴾ و آیه مبارکه 78 سوره طه: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَعَشِيَهُمْ مِنْ أَلِيمٍ مَا عَشِيَهُمْ﴾، انگار که اشاره شما به فرق و تفاوت معنی مستفاد از استعمال حرف "واو" و حرف "باء"؛ در الفاظ "وجنوده" و "بجنوده" است، که در آیه اول با حرف "واو" و در آیه دوم با حرف "باء" ذکر شده است. طوری که در کتب تفسیر آمده، معنی "اتبعهم" یعنی به آنها ملحق شد و دنبال کرد، اما حسب لغت از آیه اولی ﴿فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ﴾ فهمیده می شود که فرعون شامل کسانی بود که موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را دنبال کرد؛ زیرا "واو" در لفظ "جنوده" در این جا دلالت بر مشارکت و اشتراک فرعون و لشکر آن در دنبال کردن بنی اسرائیل دارد.

اما آیه دوم ﴿فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ﴾ حسب لغت ممکن است به معنی این باشد، که فرعون با لشکر خود در دنبال کردن موسی علیه السلام و بنی اسرائیل شرکت داشته و لشکرش را همراهی کرده است و هم چنان؛ حسب لغت ممکن است از آن طوری فهمیده شود که، فرعون با لشکرش مشارکت نداشته و همراه لشکرش بیرون نشده است، بلکه لشکرش را در دنبال کردن بنی اسرائیل هم کار بود؛ زیرا "باء" معنی مصاحبت و استعانت را می دهد، پس کلمه "بجنوده" در این آیه مبارکه ممکن است که معنی مصاحبت را حمل کند، که در این صورت فرعون با لشکرش همراه بوده و ممکن است که معنی استعانت را حمل نماید؛ که در این صورت به معنی

این است که فرعون همراهی لشکرش هم‌کاری نموده ولی عملاً مشارکت نداشته است، یعنی لشکرش موسی علیه‌السلام و بنی اسرائیل را دنبال کرده بدون این که خودش در آن دخالت داشته باشد.

و تعیین یکی از دو معنی-مصاحبت و استعانت- از جمع نمودن بین این دو آیه مبارکه به گونه‌ی ذیل معلوم می‌شود:

آیه‌ی اولی مدلول آن تنها از لحاظ لغت است و آن این که فرعون لعنة الله علیه، با لشکرش در دنبال نمودن موسی علیه‌السلام مشارکت و مصاحبت داشت اما آیه‌ی دوم؛ مدلول آن احتمال لغت مصاحبت در دنبال کردن موسی علیه‌السلام و هم‌چنان احتمال معنی استعانت را دارد، یعنی این که فرعون لشکرش را استعانت کرده تا موسی علیه‌السلام را دنبال کنند؛ بدون این که خودش همراهی کرده باشد و به دلیل این که مدلول هر دو آیت متناقض نیست، پس معنی به جمع کردن بین دو آیه به این شکل صورت می‌گیرد که فرعون در دنبال کردن موسی علیه‌السلام با لشکرش بوده یعنی "باء" در کلمه "بجنوده" معنی مصاحبت را افاده می‌کند؛ یعنی این که در دنبال نمودن موسی علیه‌السلام لشکرش، را مصاحبت کرده است این نسبت به معنی دو آیه است.

دوم: اما حدیث شریفی که در سؤال شما ذکر شده است؛ ترمذی در سنن خود از ابوسعید خدری روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةً عَدَلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»

ترجمه: از جمله بزرگ‌ترین جهاد، گفتن کلمه‌ی عدل در نزد پادشاه ظالم است.

ابوعیسی گفته است که این حدیث از این جهت حدیث حسن غریب است. در معجم الکبیر طبرانی از ابوامامه نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«أَحَبُّ الْجِهَادِ إِلَى اللَّهِ كَلِمَةٌ حَقٌّ تُقَالُ لِإِمَامٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد در نزد الله سبحانه و تعالی کلمه‌ی حق است که به امام ظالم گفته می‌شود.

در روایت دیگری در نزد طبرانی از ابوامامه نقل شده است که مردی در در وقت زدن جمره گفت: یا رسول الله کدام جهاد افضل تر است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد کلمه‌ی حق در نزد سلطان ظالم است.

در کتاب عون المعبود در مورد شرح این حدیث چنین آمده است: «... از ابوسعید خدری روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ أَوْ أَمِيرٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد بیان کلمه عدل در نزد سلطان ظالم و یا امیر ظالم است.

صاحب عون المعبود گفته است:

"افضل الجهاد" به معنی بهترین جهاد است، به دلیل روایت ترمذی که گفته است از جمله بزرگترین جهاد "کلمه عدل" است و در روایت دیگری از ابن ماجه کلمه حق نقل شده که مراد از این کلمه چیزی است که امر به معروف و یا نهی از منکر را افاده کند؛ توسط بیان باشد و یا توسط کتابت و یا مانند آن. "عند سلطان جائر" یعنی سلطان ظالم، بیان حق در نزد سلطان ظالم افضل الجهاد گفته شده، به این دلیل که شخصی در برابر دشمن جهاد می کند، در بین خوف و رجاء متردد است و نمی داند، که پیروز می شود و یا شکست می خورد و صاحب قدرت در حقیقت نسبت به آن به خشم می آید؛ پس آن شخص وقتی حق را بیان می کند و سلطان ظالم را امر به معروف می کند جان خود را به خطر تلف شدن و در معرض از بین رفتن قرار می دهد پس این به دلیل غلبه خوف افضل الجهاد می باشد، خطابی و غیره چنین گفته است.

"او امیرجائر" که گفته شده، به نظر می رسد که راوی در خصوص این کلمه شک دارد.»

پس از این حدیث شریف فهمیده می شود که افضل الجهاد گفتن کلمه حق در نزد سلطان ظالم است نه در نزد اتباع اش و منظور از سلطان ظالم امیر ظالم است، خواه رئیس جمهور باشد و یا پادشاه، نخست وزیر و یا والی، پس سلطان جائر که امر به معروف و نهی از منکر می شود، لازم است که صاحب صلاحیت و قدرت و با امارت باشد تا این افضلیت در بیان حق در پیش روی آن مصداق پیدا کند.

اما این به معنی این نیست که بیان حق در پیش روی اتباع حاکم ظالم فضیلت ندارد، زیرا در بیان حق به صورت علنی همیشه خیر و فضیلت است، اما افضلیت خاصی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی که مورد بحث ما است؛ افضلیتی است که متعلق به کسی است که خودش صاحب قدرت است؛ زیرا بیان کلمه حق در پیش روی صاحب قدرت اهمیت خاص دارد و به دلیل این که در بیان حق در نزد صاحب قدرت قبول خطر، جرئت و قوت است. چنانچه بعضی شارحین حدیث نیز چنین بیان کرده اند: «... خطابی گفته است: بیان حق در نزد سلطان جائر افضل الجهاد گفته شده؛ زیرا کسی که با دشمن جهاد می کند در بین رجاء و خوف متردد است و نمی داند که آیا پیروز می شود و یا شکست می خورد و صاحب قدرت در نزد آن به خشم می آید، پس وقتی او حق را بیان می کند و آنرا امر به معروف می کند در حقیقت خود را در معرض خطر قرار داده و جان خود را به هلاکت می اندازد، لذا به خاطر غلبه خوف، افضل الجهاد خوانده شده است. المظهر گفته است: بیان حق در نزد سلطان جائر افضل است؛ زیرا ظلم سلطان بالای تمام کسانی که در تحت سیاست آن قرار دارند سرایت می کند که یک جمعیت کلان است، پس وقتی آنرا از ظلم نهی می کند نفع و منفعت را به خلق زیادی می رساند به خلاف قتل کافر که از چنین ویژه گی بر خوردار نیست.»

پس تمام صحبت از خود صاحب قدرت ظالم است نه از اتباع، اعوان و لشکرش.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

29 جنوری 2024م

مترجم: مصطفی اسلام